

توافق علم و دین

حق حاکم محفوظ

ز پیچیده

حدی است این عقیده بر نفوس ندیده نیست راسخ و هم ممکن گردیده
 «...» این مخالف علم و علم دشمن دین است و حصول موافقت و مؤلفات
 بین این دو قوه قویه ممسوع و محال بوده و خواهد بود چنانکه همسر
 در این (۱) در کتاب معروف خود تمام ابعاد عام و دین عداوت و خصوصیت
 مابین دین و علم را مسلم دانسته و با تواسمه اساس این عقیده را منس و
 محکم ساخته است.

حون دین الهی که از اوهام و خرافات نفوس بشری براسه و بر نور
 ساطع اولمه خود آراسمه ناسد هرگز مخالفتی با علم و عقل ندانسته و
 نخواهد داشت، لهذا شموع این فکر علمی بر علل و اسباب مجتله و سه
 و در طی قرون و اعصار نفوسی چند بجهت ندیده از ادیان الهی رنیده
 و دین را بر علم خود با عقل سلیم و علم صحیح مطابق و موافق ندیده اند
 منظور اصلی از نگارش این رساله بیان موخات بولید نقای وحدانی
 سن دین و علم و شرح علل و اسباب مخالف و صددت جمعی از افراد جامعه
 انسانی با ادیان آسمانی است، با معلوم و واضح گردد که دین جمعی
 هتگاه با علم و دانی مخالفتی ندانسته و اسباب الهی هرگز قدم در میدان
 مبارزه با علوم و فنون نگذاشته بلکه آن نفوس همدسه همواره مروح
 داشت و شش و علمدار فصل و کمال در جهان آفرینس بوده اند.
 حون بای این حروه بر احتصار است حتی الامکان از اطباء و مل
 احساب و از انجاز محل بر بقدر مقدور احتیاز خواهد گردید

(۱) Draper-John William داسمید آمریکائی که یکی از
 تألیفات او موسوم به تاریخ تحولات فکریه در اروپا، سپهر جهانی با فیه و
 نالسه مجتله ترجمه و طبع گردیده است (۱۸۸۲-۱۸۸۱)

L7710

فہرست میں درجہ : -----

صفحہ نمبر	مطلب
۱	دباچہ
۲	فصل اول - تعریف علم
۱۱	فصل دوم - تعریف دین
۱۵	فصل سوم - دین و علم
۱۸	فصل چہارم - علل معارضۂ برحق اور دانشمندان نادین
۲۵	فصل پنجم - جواب اعتراضات معترضین و بیان حقیقت دین
۳۴	خاتمہ

پس برای از علایم و مشخصات معلومات عامه بانه عدم توحید و تعدد
از اوضاع این حوادث است.

وقتی این حادثات طبعاً مناسب باشد با سبب و
معلومات علمیه توسط کشف طبایع اشیاء و تدوین قوانین طبیعی
اطلاعات و معلومات معرّفه بوحید و سلسله حوادث
بطریقی علت و معلول از روی اصول و طبعاً ظاهر و باطن و بعضی
شود معلومات علمیه بخور میآید.

پس معلومات عامیانه و علمیه فرق و تفاوت
فرق بین معلومات بسیار است.

علمیه و عامیانه اولاً - معلومات عامیانه همچگاه مفید بعضی و
اطمینان نسبت برآ در صورت انسان راجع
بهر حادثه بی اطلاعات و مرصع تبدیل میماند و چون اسباب و علل ظهور
و بروز آن حوادث معین و مشخص نمیشد هرگز قیاس جاری و قطعی در
صحت آن حاصل نمیشود و هر وقت در برآ ظهور و بروز آثار و مظاهر
طبیعه میسر و تبدیل رخ دهد معلومات عامیانه استیضاح بر حسب آثار و بوره
معین و تبدیل میگردد و حال آنکه بنا بر معلومات علمیه بالعکس همواره
سازمان اعتماد و قابل اطمینان بوده و حسب برآ انسان در مواقع ممکنه
مفسسه اطمینان و با عدم اطمینان آنرا با واقع تحت تجربه و امتحان قرار
داده سهولت بی نصیب و سهم اطلاعات خویش میرسد چنانکه فی المثل
مادی عمومی ریاضیات در هر موقع ممکن است تحت مطالعه و تدقیق قرار
گیرد و اگر تجربه و آزمایش آن مادی و اصول را تصدیق کند مورد
قبول واقع گردد.

بنابراین معلومات علمیه متصف بصفات عمومی است برآ علوم صحیحه
در پرتو کشف قوانین پایه و تجرید اوصاف و صفات آثار و مظاهر طبیعه
از تدقیق و توصیف حوادث محصله بطور جداگانه بی سار مسود و آثار
مستتر الاوصاف را بکمال سهولت طبعه بدی و تصدیق میماند چنانکه

نام بردان مهربان

فصل اول - تعریف علم

دانشمندان معلومات اسان را بدو قسم منقسم نموده اند
عامیانه و علمی

معلومات عامیانه جدا گانه و بدون ارتباط حادثه‌ای
معلومات عامیانه با حادثه رنگر حاصل مسود و اصطلاح علمی
موضوعات آن کالی نمیناسند.

مثلا وقتی شخصی مسود ربرس قطرات باران را از آسمان مشاهده
نمینماید پس این حادثه و حوادث و عوامل سابر در ذهن خود رابطه‌ئی
برقرار نمیسازد و هرگز ایب فکر بحاطرس خطور نمیکند که ربرس
قطرات باران معلول علل محلیه و مسووق مساوق متعدده است و ناس
آفات بر درناها و صعود بحار آسمان و کاتف و برا کم طمقات ابرها و
کشش زمین و مانند آن در این حادثه کاملا با یکدیگر مرتبط و در سلسله
علل و معلولات بهمیدیگر مصلبد.

همچنین بعضی عامی حراع برق را در خانه خود می بیند و دستگاه
رادیو را در همه جا مشاهده میکند و بحوبی مینماید که اگر برق بمبارد و
گلدسته‌ئی احباب نماید آنرا مسك مسارد و لكب معلومات او راجع
به برق از این حوادث اصطلاح «حرئی» و عمر مرتبط است و بین این سه
حالت ارتباط برقرار نمینماید و هرگز با خود نمی اندیشد که آنچه ما را
مشك ساحه و سمه‌های نارك حراع برق را گداحه و دستگاه رادیو را
مکار انداحا قود واحده و همان قوه برویه است.

نسبتی از علایم و مشخصات معلومات عامیانه عدم توحید و همدان
از اراضی حوادث است.

وقتی در حادثات طبعیه مناسبات با ما باسیس و
معلومات علمیه بوسیله کشف طبایع اشیاء و تدوین قوانین آن معین
اطلاعات و معلومات مبرره بوجود و سلسله حوادث
بصری علت و معلول از روی اصول مطلقه ظاهر و نه تعیین
شود معلومات علمیه بوجود میآید.

نسبت معلومات عامیانه و علمیه فرق و تفاوت
فرق بین معلومات بسیار است

علمیه و عامیانه اولاً - معلومات عامیانه هیچگاه همدنس و
اطمینان نسبت برآ در معنای انسان راجع
بهر حادثه بی اطلاعاتی غیر مرتبط محصل نمیشود و چون اسباب و علل ظهور
و بروز آن حوادث معین و مشخص نمیشود هرگز قیاس حار و قطعی در
صحت آن حاصل نمیشود و هر وقت در برآ ظهور و بروز آثار و مظاهر
طبعیه بتدریج تبدیل روح دهد معلومات عامیانه استخوان برست آثار مبرره
معین و تبدیل مکرر و سال آنکه با ح معلومات علمیه بالعکس همواره
سازان اعتماد و اهل اطمینان بوده و نسبت برآ انسان در مواقع ممکنه
معینه اطمینان و با عدم اطمینان آنرا با واقع بحث تجربی و امتحان قرار
داده سهولت بی نصیب و سهم اطلاعات حوسه مورد حساب که فی المل
مبادی عمومی را مناسبات در هر موقع ممکن است بحث مطالعه و تدقیق قرار
گیرد و اگر تجربه و آرماس آن مبادی و اصول را بتدقیق کند مورد
قول واقع گردد.

ثانیاً معلومات علمیه منصف نصف تعمیم است زیرا علوم صحیحه
در برآ کشف قوانین با سه و تجربی اوصاف و صفات آثار و مظاهر طبعیه
از تدقیق و توصیف حوادث محلیه بطور جداگانه بی سار نمیشود و آثار
مستربک الاوصاف را کمال سهولت طبعه بتدقیق و نصف میباید چنانکه

نام نردان مهر نان

فصل اول - تعریف علم

دانشمندان معلومات اسباب را بنویسم قسم معصوم نموده اند
عامیانه و علمیه

معلومات عامیانه جدا گانه و بدون ارتباط حادثه ای
معلومات عامیانه با حادثه دیگر حاصل میشود و اصطلاح علمی
موضوعات آن گاهی میباشد.

مثلا وقتی شخصی بسواد ریس فطرات نازان را از آسمان مشاهده
مینماید پس این حادثه و حوادث و عوامل سائر در ذهن خود رابطه ای
برقرار نمیسازد و هرگز این فکر بخاطر ریس بطور نمیکند که ریس
فطرات نازان معلول علل مجمله و مسووی مساوی متعدده است و تاس
آفتاب بر دریاها و صعود بخار با آسمان و تکاثف و تراکم طبقات ابرها و
کشش زمین و مانند آن در این حادثه کاملا با یکدیگر مرتبط و در سلسله
علل و معلولات بهم دیگر متصلند.

همچنین بعضی عامی خراف برقی را در خانه خود می بینند و دستگاه
رادیو را در همه جا مشاهده میکنند و تجوی میدادند که اگر برق بمبارد و
گلدسته ای اصاب نماید آنرا مشك میسازد و لكب معلومات او راجع
به برق از این حوادث اصطلاح "خرقی" و غیر مرتبط است و پس این سه
حالت ارتباط برقرار نمینماید و هرگز با خود نمی اندیشد که آنچه من را
مشك ساحمه و سیمهای نارك خراف برقی را گداحه و دستگاه رادیو را
نكار انداحه قوه واحده و همان قوه برقیه است.

و پهلومی (۱) این رسنه از داس بشری اطلاعات معدمائی و اندائی را جمع نموده و بعد بهم دو عالم مربوط قواعد عمومیه تأسیس شده و سپس کپلر (۲) يك سلسله از قوانین خصوصیه را کشف کرده تا آنکه عاقبت بدست توانای نیوتن (۳) کاج رفیع این علم شریف مرتفع و قانونی جامع و عمومی کشف گردیده است .

پس هر علمی برای وصول سرحد کمال ناچار از نمودن چهار مرحله خواهد بود

مرحله اول در مرحله اول دانشمندان جهت برای شرح و بیان از بساطات موجوده بین مظاهر و آثار طبیعیه علی-الخصوص در موافقه با بعضی این از بساطات بوسیله تجربه و امتحان امکان ندید بناسد بدیل تصورات و فرضیات موصول شده و بدسیاری اندیشه های مبسوط و افکار مضطرب راه حل برای مسائل مبسوط بحری میمایند و این فرضیات که در زبان یونانسان قدم به همسور (۴) تسمیه

(۱) Ptolemaeus-Clavdius (بطلموس) مخم و ریاضی دان معروف که در قرن دوم قبل از میلاد مسیح مرسه و در سال ۸۲۷ میلادی تألیفات او تحت عنوان «المخبطی» در زبان عربی ترجمه شده و تا اواخر قرون وسطی مدار علم هست بوده است

(۲) Kepler - Iohann مخم مشهور آلمانی که در سال ۱۵۷۱ میلادی موالد و در سن ۱۶۳۰ وفات یافته این دانشمند حلیل القدر علاوه بر تکمیل بلسکوپ و اساس حرکت سماوات را که به «قوانین کپلر» مشهور یافته کشف نموده است

(۳) Newton-Isaac ریاضی دان مشهور انگلیزی مؤسس فیزیک ریاضی و هست فیزیکی و استاد ریاضیات در دارالفنون کمبریج که علاوه بر سائر اکتشافات علمیه کشف قانون عمومی و کلی حادئه زمین نام او را رنده و دکرس را نا اند ناسده ساخته است (۱۶۴۳-۱۷۲۷)

Hypothesis (۴)

داسمندان اوصاف اساساً اوصاف مختلفه نباتات و حیوانات را بمنس میکنند و آن اوصاف را در هر حیوان و نباتی ملاحظه نمایند بکمال سهولت آن را در صف مخصوص خود جای میدهند و این 'مجمیع' اوصاف باز به معلومات علمیه است *

ثالثاً - معلومات علمیه همواره تحت نظم و اصول معین است و علماء حلف از نتائج رحمت و بهره اکتشافات داسمندان سلف که لا استفاده نمائند و از تکرار بحار و امتحانات کدشگران بی نیاز میشوند چنانکه فی الجمله در علم شیمی اصول مستحکم و طرق معینه برای بحری عناصر بسطه احسان هر کس موجود است و با رعایت آن اصول نباتی منظور معینی و بحری حصول مینماید

هر علمی در سیر تکامل و ترقی خود چهار چهار

مراحل از رتبه مرحله را طی مینماید

شایسته سری اول - کرد آوری اطلاعات لازمه *

دوم - تربیت و تدوین اطلاعات مربوطه و تأسیس

قواعد حرثه که اساس آن بر تجربه و امتحان استوار شده باشد *

سوم - کشف قوای خصوصیه *

چهارم - کشف و تدوین قانونی کلی و عمومی که جامع و سارح

قوای خصوصیه حرثیه باشد *

برای روشن شدن موضوع مالی میآوریم

علم همد (آسترونومی) که از سایر علوم موجوده ثابت تر و محقق تر

نظر میسرند در سیر تکامل خود این مراحل از رتبه را پیموده و مندرجاً مقام

سامع کنونی را احرار نموده است بدین معنی که بارها طلوع هپارک (۱)

(۱) Hipparcus متحجم یونانی که در قرن سوم قبل از میلاد مرسته

و اولین داسمندی است که فهرست سیارگان را بدوین و طول سال شمسی

را بدوین و مسافت آفتاب و ماه را از زمین بدقت تحدید نموده است *

فرصه کانت (۱) و لاپلاس (۲) راجع به پیدایش
فرصه ها زمین و همچنین فرصه تولید حیات در کره
حاکم با آنکه زمین گوتیا در ابتدا گوئی آتشی
بوده و فرصه عصر انواع و فرصه معاطس مولکولی و شوری ادراک و
فرصه هلموهلس (۳) راجع سوروراک و صدها فرصه دیگر هور هم در
مرحله اول از مراحل ارمه مربوطه سائر واسکونه افکار وادکار در وقت
حاضر بر بر محور پندار دائر و ممکن است هر عالم و معکری این مسائل
را نوعی برای خود حل نماید و این مطالب هر آن در معرض تبس و تبدل
قرار گیرد چنانکه میون کتب علمیه از ارمه ساله الی زمانها مشحون
از این فرصات و تصورات است حتی علم طب با آنکه سمار کهسسال و از
مردم و ردهم میلادی بعد از فربك و سده می
علم طب فیزیولوژی و آناتومی استفاده نموده هور هم در
ردیف علوم نامه قرار نگرفته و کاملاً بر اساس
فوان مسلمه مسی نگسته است زیرا فی المثل حدی قبل اطباء مشهور
چنان خون شخص مرین را آلوده و مصر تشخیص داده و دفع آنرا از
بدن لازم و ضرور بداند و روی این اصل غالب اوقات قصه را تحویر
نموده اند و حال آنکه پزشکان زمان ما این فکر را باطل دانسته و بالعکس
تقویت و ترند خون مرین را بهرین وسیله دفع مرین تشخیص داده و
اگر گاهی قصه را لازم شمرده اند بمطوری غیر از منظور اطباء سابق
بوده است .

همین قیاس هر روز فکری جدید و تصویری تازه در علم طب

- (۱) Kant — Immanuel فیلسوف مشهور آلمانی (۱۷۲۴-۱۸۰۴)
(۲) Laplace — Pierre Simon محکم و ریاضی دان مشهور
فرانسوی (۱۷۴۹-۱۸۲۷)
(۳) Helmholtz — Hermon فیزیولوگ مشهور آلمانی
(۱۸۲۱-۱۸۹۵)

افه آفر شدند در توسعه رابره علوم و فنون داشته است.

در مرحله نای معلومات انسانی از تصورات و فرضیات
مرحله نای بطری نامحانات تجربی ردیکبر شده و علماء و
 دانشمندان درس مرحله افکار و آراء خود را از
 حیر فاسات منطقه واسدلال عله میدان عمل و آزمایش مفعل ساحه
 سعی و همت حوس را مصروف استجراح فوائد مبظم و مرتب مسماند و
 بالتسجه «سوری» (۱) های گوناگون راجع بوصف و تنس بساری از آثار
 ومظاهر طبع و سان علت حدوث حوادث طبیعه و کشف حصول واستقرار
 روابط مستحبه تن حوادث مربوطه بوجود مآند که ممکن است بساری
 ازین سوری ها در موقع آزمایش و امتحان صحت و اهمیت خود را یکی
 فاقد سده از بویه تجربه و عمل روسعند سرون ساسند

در مرحله دال معلومات و اطلاعات علمیه معامی بر ر
مرحله نال از مرحله نای اربعا متجوند و در این حال غالب
 فرضیه ها و ثنوردها مبدل بهواعدی مسود که تجربه
 و امتحان بیر صحت و درسی آبرا ثنوب میرساند ولکن نا وصف این
 حال آن فوائد فاقد حینه کات وعمومیت و دارای مسسیات بساری است

وفی دانش سوری در یکی از رسه های علوم
مرحله رابع طبعی معامی رسد که ساسات نایه تن آثار و
 مظاهر طبیعه کشف و تصور قواس این معر
 بدون کردند و اسسار را بدان معام راهی بود و در هر زمان و مکان
 تجربه و امتحان صحت آبرا نال ومبدل نمود معلومات انسان وارد مرحله
 رابع شده و علم نال و متحقق وفایل اعتماد واطمینان بوجود آمده است

هیچکس اظهار مخالف کرده است و اگر کسی زوری ثابت نماید که
« هر جسمی که در مایعی غوطه‌ور باشد ناندازه وزن مایع هم
حجمش از وزنش کسر نمیشود » قانون ارشمیدس فوراً حبه عمومی
و کلیت و صحت خود را از دست خواهد داد و جزء قوانین مسلمة محسوب
نخواهد گردید .

از توصیحات مرئوسه واضح و معلوم شد که علم
تعریف علم عبارت از کشف حقائق اشیاء و مجموعه
اطلاعات و معلومات بشری راجع به عالم خارجی
و طرق تغییر و تبدیل آن بواسطه دخل و تصرف منظم و مرتب انسان
است و علم حقیقی و واقعی علمی است که از مرحله فرضیه و تصور
و قواعد خصوصیه قدم فراتر نهاده و بر اساس قوانین مسلمة ثابته
مؤسسی و استوار شده باشد .

در حاتم این فصل چند کلمه راجع به تصنیف و طبعه بندی علوم
برای تکمیل موضوع مرقوم میگردد
یونانیان قدم علم را فقط عبارت از فلسفه دانسته و آنرا بدو قسم
مقسم میساخته اند

اول - منطقی و ثانی - اخلاقی .

درفرس سابردهم میلادی برای اولین بار در تاریخ
تقسیم نکرده سری دانشمند مشهور یونانی (۱) معلومات انسانی را
از روی اصول مسخضیه تصنیف و آنرا بدو قسم

تقسیم نموده است

اول - تاریخ

دوم - شعر

(۱) Bacon — Francis فیلسوف مشهور انگلیزی که در سنه
۱۵۶۱ در شهر لندن متولد گردیده و در سال ۱۶۲۶ وفات یافته
از عیون جدید از تألیفات مشهوره اوست .

وجود مآید و هر طبعی دارای افکار و عقائد و روس مخصوص نبوده باشد و لهذا علم طلب همواره کاملاً بر اساس قوانین مسلمه نباشد اسبوار
بگردیده اسب .

هر قدر علمی از علوم بیشتر بر پایه قوانین کلیه
علوم دقیقه مبانی ناسد و کمتر از قواعد خصوصیه و شورها
و فرصات غیر مشخصه دم رند بهمان میزان ناب
بر و دقیق تر و مطمئن تر خواهد بود این اسب که ریاضیات و فلکیات و
فیزیک و شیمی و مانند آن بخش از علم تعلیم و تربیت و علم طب و صنایع
طریقه مورد تکیه و اعتماد دانشمندان جهان بوده و هست بر این علوم مربوطه
عالم بر اساس قوانین مسلمه و اساس و اسبوار و کسی تارمان ما هبور در
صحت آن قوانین شك و تردید وجود راه نداده اسب حیث که راجع بقانون
ارشمیدس (۱) و قانون حرکت و سکون و قانون سقوط اجسام و قانون
پاسکال (۲) و قانون بویل (۳) و ماریوت (۴) و قانون گئی-لوساک (۵) و
قانون حاول (۶) و لیس (۷) و قانون حادیه عمومی و صدها قانون دیگر
که صحت آن در هر زمان و مکان بوسیله تجربه و امتحان سوت رسیده

(۱) Archimide ریاضی دان بزرگ دسای قدیم که در سال ۲۸۷
قبل از میلاد مبولد و در سنه ۲۱۲ قبل از میلاد در موقع فتح سیراکوز بدسب
رومیان مقتول شده اسب .

(۲) Pascal — Blaise نابغه مشهور و فیلسوف و ریاضی دان و
فیزیک شناس معروف فرانسوی (۱۶۶۲-۱۶۲۳)

(۳) Boyle—Robert فیزیک شناس و شیمی دان انگلیزی (۱۶۹۱-۱۶۲۷)

(۴) Mariott — Idme فیزیک دان فرانسوی (۱۶۸۴-۱۶۲۰)

(۵) Gay—Lussac شیمی دان معروف فرانسوی (۱۸۵۰-۱۷۷۸)

(۶) Govle James Prescott فیزیک دان انگلیزی (۱۸۸۹-۱۸۱۸)

(۷) Lenz اصلی کرسینا بویچ - شیمی دان معروف روسی

(۱۸۶۵-۱۸۰۴)

ششم - سولوری (علم الحیات)
 هفتم - سوسولوری (علم الاجتماع)
 هشتم - پسیکولوری (معرفه النفس)
 البته تقسیمات دیگری نیز وجود است که برای رعایت اختصار، بهمن
 مقدار افسار میسود *

فصل دوم - تعریف دین

دانشمندان معرب رمن دین را با انواع و اقسام مختلف تعریف
 کرده اند که اگر احوال همه درین باره نگاه شود مطلب بطول انجامد و
 موحیات ملال خاطر خوانندگان محترم فراهم شود لهذا بدرج عقاید چند
 نفر از علماء درین خصوص دینا اکثرا مگردد

دین لفظا بمعنای دأب و عادت و اطاعت و انضاد و
 معنوی لغوی دین حرا و سرب و طریقه آمده ، چنانکه در حدیث
 شریف «کان صلی الله علیه و آله و سلم علی دین
 هومه» دین بمعنای دأب و عادت استعمال شده و در کرجه مبارکه
 مالک يوم الدين و حدیث سرف البر لایلی والایم لایسی والدینان
 لایموب فکن کما سف کما بدین بدان» لفظ دین بمعنی حرا آمده است.
 در السیه عربیه نیز کلمه Religion از لفظ لایسی الاصل «Religio»
 گرفته شده و بقول سیسرون (۱) این کلمه از «Relegere» که به معنای

(۱) Ciceron—Marcus tullius نویسنده و باطنی مشهور رومی
 که در سال ۱۰۶ قبل از میلاد مسیح تولد و در سنه ۴۳ قبل از میلاد وفات
 یافته معنیات او عبارت از ۵۶ خطابه - ۲۰ تألیف راجع به فلسفه و علم الاخلاق
 و مرثیه ۸۰۰ مکتوب است

سوم - فلسفه

بعد از بکن دانشمندان فرانسه علوم و فنون را سپس طبقه بنسبم کرده اند

اول - الهیات و اخلاقیات

سوم - تاریخ

سوم - ریاضیات

چهارم - طبیعیات

سپتم - علوم اسرار آمیز (ماری (۱) والکمبا)

ششم - ادبیات

او گوست کوب (۲) علوم را بدین شرح بنسب

تصنیف کوب موده است

اول - علوم مربوطه به دوی الارواح

دوم - علوم مربوطه به دوی الارواح

سوم - علوم مربوطه به مافوق دوی الارواح

و هر کدام از شعبی مربوطه را عمومی و تخصصی بنسبم موده و

بالنسبه حسب شعبه از علوم بقرار دیل بوجود آمده است

اول - ریاضیات

دوم - مکاتیک

سوم - فزیک

چهارم - شیمی

سپتم - فزیکولوژی (علم وظائف الاعضاء)

(۱) Magie

(۲) Auguste Comte فیلسوف فرانسوی که در سال ۱۷۹۵ میلادی

شده و در سنه ۱۸۷۵ وفات یافته است این دانشمند شهیر مؤسس فلسفه

پوزیتیو (تحقیقی) بوده و کتاب «دوره فلسفه تحقیقی» از تألیفات مهمه

او بشمار میرود

- کتاب دین را بطور تعریف کرده است
- تعریف کاتب « دین عبارت از احساس و طایف در مقابل اوامر الهیه است »
- عقیده مورس را سمروف (۱) در مفهوم « دین » عقیده را سمروف تعریف می‌کند و می‌گوید: « اساس وجود قدرتی مافوق خود مدعی و معرف می‌باشد »
- ۲- برای حصول ارتباط بین خود و آن قدرت مطلقه همواره در سعی و کوشش است »
- ۳- با آن قدرت عالیه سجود ارتباط حاصل می‌ماند »
- ادعان بوجود قدرت قاهره اساس معتقدات انسان است و آرزوی حصول ارتباط با آن منبع فانی احساسات روحانیه او را پرورش می‌بخشد و بوسیله عبادت و پرستش ارتباط او با حلالی مسخر می‌شود »
- دین عقیده مورس را سمروف « دین عبارت از اعتقاد فطری و طبیعی افراد انسانی بوجود قدرت عالیه و قوت قاهره است که مافوق انسان و مسمعی از کائنات می‌باشد »
- هربرت اسپنسر (۲) دین را چنین تعریف کرده است
- تعریف اسپنسر « دین عبارت از احساسات فطری و انشراحات روحی افراد انسانی است »
- مبحث (۳) فیلسوف مشهور آلمانی و مؤسس فلسفه آیدنالدرم دین را چنین تعریف کرده است
- تعریف فیخته « دین کمال اخلاقی است و کمال اخلاقی کل دین است »

Moris Jastrow, The Study of Religion (۱)

Herbert Spenser (۲) فیلسوف مشهور انگلیسی (۱۸۲۰-۱۹۰۳)

Fichte (۳) - ایثوهان - (۱۷۶۲-۱۸۱۴)

عبادت مذهباً استعمال شده مسبق گردیده است ، پس لفظ 'Religio' ،
معنای عبادت و اهتمام صدیقانه نسبت به عبادات آمده و بدین ترتیب پس
، دین ، و مفهوم اطاعت و اعتقاد فرااب واصله موجود و مشهود است .

ماکس موللر (۱) که در معرب رمن برای بحسن
تعریف موللر بار راجع به علم ادیان اثر نفیس خود را نشر داده
دین را چنین تعریف کرده است
« دین فوّه ئی است روحانی که برای ادراک « نامناهی » بحسب اسامی
مختلفه و رموز متحوله با انسان قدرت و توانائی عطا می نماید »

رویل (۲) دین را بدینگونه تعریف کرده است
تعریف رویل « دین عبارت از وحدت و وحدت حیات بشری است
دین روح انسانی را بر نفس انسان و تمام کائنات
حاکم دانسته و آن فوّه روحانی را با روح الارواح مرتبط میسازد »
شلیر ماحر (۳) دین را چنین وصف کرده است
تعریف شلیر ماحر « دین عبارت از حس درونی افراد انسانی و نتیجه
آن اعتقاد بر بطور اطلاق است »

فرباخ (۴) دین را شرح دین تعریف کرده است
تعریف فرباخ « دین عبارت از شوی وافر بی نوع انسان برای
پی بردن بکمه داب خداوند عالمان است »

(۱) F Max Muller (۱۸۲۳-۱۹۰۰)

Reville (۲)

Schleiermacher (۳) - فربدربک - اربس - دابیل - فیلسوف

آلمانی و پروفیسور علوم الهی در دانشگاه برلن (۱۸۳۴-۱۷۶۸)

Feuerbach (۴) - لودویگ - آندره - فیلسوف آلمانی

(۱۸۰۴-۱۸۷۲)

فصل سوم - دین و علم

از تعریف علم و دین که در طی دو فصل گذشته بعمل آمده کاملاً واضح و محقق میگردد که علم واقعی و دین حقیقی مؤید و مکمل یکدیگرند و این دو قوه قوه منفعه انسان را بسوی کمال و

دین و علم ترقی رهبری و مسائل لا سحل را برای او حل
مکمل یکدیگرند مسماند و قوای صوری و معنوی او را پرورس
 میکنند، یکی بعمل او قدرت و قوت عطا مسماند

و دیگری قلب و عواطف او را میبرد، یکی رنگدانی جسمانی او را سهل
 و آسان مسارد و دیگری از آسمان دری روی او میساید و حجاب اندی
 او را تأمین میکند، یکی او را بر قوای طبع مسلط مسارد و دیگری
 او را از نفس و هوای حجاب میدهد و بر علم حقیقت و دین بر حقیقت است.

اگر علم برای انسان ادراک هزاران تعرات و مظاهر عالم طبع
 را سهل و آسان مسارد دین بر راه وصول بعوالم الهیه را ناو مسماند
 و این بدیهی و واضح است که نه دین بدون علم و نه علم بدون دین
 چنانکه نابد و ساید قادر بر پرورش تمام قوای و کمالات روحی و جسمی
 افراد انسانی نخواهد بود زیرا هر علمی مشغول تدقیق و تحقیق در
 موضوعی است که مربوط ناو مسماند و هیچ علمی از دائره طبیعه اصلیه خود
 خارج نمیسود چنانکه ریاضات در کمب - مکانیک در حرکت - فیزیک و
 شیمی در خواص ماده - سولوزی در حیاتیات - پسیکولوژی در روحیات
 و سوسیولوژی در اجتماعیات بحث و فحص مسماید و هیچیک از علوم
 مریوره در مسائل مربوطه بنده و معاد و وجود و بقای روح و محاربات و
 مکافات اخروی و اصل و بنده روحانی انسان و ماسد آن تحقیق و تدقیق
 نمی پردازد زیرا آنچه از محیط امتحان و آرمایش خارج است از وظائف
 علوم تجربی محسوب نیست و فلسفه مادی بر در عصر حاضر از ورود ناین

دانات است

ران ماری کو بو (۱) دین را چنین تعریف کرده است

تعریف گویو

دانات چپ جامعه کل سراسر است بلکه رابطه سراسر
بکل جهان و مبدأ و جمعیت آن است

دیدنی است که هیچکس از تعریف هر دوره حیا که نابد و سابد
جامع افراد و منابع اعیان بوده و مفهوم دین را بخوبی روشن و واضح
نمی نماید و لکن نظر بصعوب و اسکال فوق العاده موضوع و عجز علماء و
دانشمندان از اسان تعریف جامع و کامل از آنچه گفته شده باچار نابد
بهمین مقدار اکتفا شود

بعضی از علماء مسروق دین را چنین تعریف
کرده اند

تعریف علماء

« دین عبارت از تعلی و اعتقاد اسان بآفریننده
جهان و جهان اسان است »

مسروق رمین

برخی دیگر دین را چنین وصف کرده اند

« دین عبارت از دسورهائی است که از جانب پروردگار عالمیان

بمطور رهمنائی مردمان بر پیم ران وحی شده باشد »

یکی از علماء دین را چنین تعریف کرده است

« دین عبارت است از شرائع و قوانینی که بوضع الهی و وحی

سماوی بر یکی از افراد بشر نازل گردد و موجب اسطام امور روحانی و
ملکیه ملتی شود

عالمی دیگر دانات را چنین وصف نموده است

« وضع الهی بدعو اصحاب العقول بمول ماهو عبدالرسول »

خواستگان محترم را که عقاید جدید را در دست می‌گیرد
 هر یک سبب داند که انکلسی در یکی از آثار
 بیان اسمی که راجع به فلسفه اجتماعی نگاشته پس از
 بحث مفصل در باب روابط علم و دین مطالبی درین
 مضمون بر سره تحریر در آورده است

چون ما در عوالم امور مکرر و تدبیر ماسیم و بکنه هر سنی از
 اشیاء پی بریم باید باخار بوجود حقیقی که معرفت آن مافوق قدرت
 ماست ادعای ماسیم و همین اعراف فطری نقطه اتصال علم و دین است.
 ظاهر آنست که علم و دین با یکدیگر معارض و متعارض
 دارند و بسیاری از نفوس همین تصور میکنند که فصاحت علمی نامساعدی
 قابل تألیف و توافق نیست و حال آنکه این فکر اساساً معضی است زیرا
 دین در سبجه بحالات بشری بوجود نیامده بلکه از احساسات فلسفی و ایمانیات
 روحانی سر حتمه گرفته است علم نیز از مجزعات نوع انسان نبوده بلکه
 سبجه ایمانیات و تجربیات مادی افراد بشری است تجربه‌ئی که بتدریج
 دقیق تر و عمیق تر شده و بهائی باطل گردیده که از حدود مآلهای غاری
 تجاوز نموده و بتکشف حقایق غیر محسوسه موفق گردیده است.

لهذا علم و دین دارای منته و منشاء واحد بوده و هر دو فرع یک اصل
 و در یک رتبه و مقام واقعند.
 علم و دین با هم قابل سارسند بدلیل آنکه از ابتدا با هم میرسمند
 و در وقت حاضر هر دو در کنار یکدیگر قرار گرفته اند برای آنکه
 از روی صحت و دقت این موضوع مورد مطالعه قرار گیرد باید اصول
 کلی علم و دین بحث مذاقه واقع شود درین صورت ملاحظه خواهد شد
 که ماس و مافعی ماس علم و دین موجود نیست.

از سبب هکله (۱) با آنکه از معیّنات خرافه سر واز

ندان هکله ادیان الهیه سبجی اسعاد کرده در باب روابط علم

و دین مطالبی ماس مضمون ماس مآله

(۱) Ernest Haeckel دانشمند آلمانی (۱۸۳۴-۱۹۱۹)

مندان و سرح و سان مطالب مر بوره بطوریکه عقل و قلب انسان را راضی و قانع نماید عاجز میسازد و فقط ادیان آسمانی بر حسب سوابق تاریخی قادر بحل این مسائل خواهند بود که فلسفه و حکمت الهی بر معنیس از آن و مؤسس بر آن است *

انسان از روز اول حلقه در صدد ادراک موحد و دین حلال مشکلات حالی کائنات و کشف سر اتحاد بوده و از همه مهم تر معنوی است مرك و فیما خاطرس را سبب مسوس نموده و از همان فردای آفرینش این راز عجیب و معمائی عرب او را معکرات دورا دور وا داسه و جواب این سؤال مهم ختاتی را بحری مسکرده است که «من کسسم؟ از کجا آمده ام و بکجا میروم؟» و هیچ حای شبهه برای احدی باقی نمانده که این معما سر را از روز اول بحیرت انداخته و در وقت حاضر بر قدر و سطوب خود را بر عقل و فکر او مسلط ساخته و در آمده بر هیچگاه انسان از حل آن فارغ و آزاد نخواهد ماند زیرا هر فردی از افراد جامعه سری مایل بحل این مسئله است که درس گذرگاه تسلسل بکجامرود آنا بسوی عدم مطلق میساند و با عالمی مجهول و مسور از ابطار و عقول منقل میگردد؟

باین سؤالات فقط ادیان الهی جوابهای معین و بوصحاب کامل داده و علوم و فنون وارد این مراحل شده و مبادرت بحل این مسائل بکرده اند *

پس انسان بعلم واقعی و دین حقیقی هر دو نیازمند
نیاز انسان است و این دو عامل قوی از صدر آفرینش تا کنون علم
برقبات فکری و بحولات روحی و مؤسس کاح رفیع
مدیبت های واقعی در حوامع بشری بوده است *

گروهی از دانشمندان بکمال صراحت باین حقیق اعراف نموده و
دین و علم را مؤید و مکمل یکدیگر دانسته و محالین این فکر و عصبه
را خارج از دائره عدل و انصاف پنداشه اند که برای مرید استحصار

صید و مخالفت بین دین و علوم و مذهب که شروع اختلاف در وقت حاضر تکمال شد و حد خود رسیده از موقعی که مسیحیت بصورت فونی سیاسی در عالم ظاهر و نمایان شده آغاز گردیده است. از آن تاریخ بعد دین و علم وارد میدان مبارزه با یکدیگر شده و صاحبان فکر و ارباب دین در این مبارزه سرک بر ریزیده اند.

تاریخ علوم و معارف فقط آغاز ارباب ارباب حریان کشفیات علمیه بوده بلکه از حکومتی مخالفت و محاصرت دو قوه قویه با یکدیگر بر حکایت میماند یکی ازین دو قوه استعداد دکاء سری برای سطوبرفی و دیگری بصنی و فساری بوده که از طرف صاحبان عقاید ناله قدیمه و دارندگان اغراض فاسده سریه برین استعداد وارد آمده است.

از دینات مسمر در این و تحقیقات سایر دانشمندان مغرب زمین راجع بمخالفت علم با دین چنین مسعود مسعود که از زمان شیوع و رسمیت مسیحیت و تسلط فیسس بر افکار مسیحیت سن علم و دین جدایی و نفای حاصل شده و این اختلاف و اشغای مندرجا بمصوم و براع مندل گردیده و عاقبت کار بجائی رسیده که جمعی از صاحبان علوم و معارف دین را دشمن برکن داس داسیه و آئین آسمانی را نگانه سلب سرب و انحطاط حوامع سری پنداشته اند. از مطالعه کمب و آناریکه درین باب برسه تحریر در آمده چنین استماع مسعود که این اختلاف

علل اختلاف ناسی از جهات دین و علم بوده بلکه علل و اسباب متعدده تاریخیه داسیه که درین فصل مذکر حید غاب از علل مهمه مروره مبارز و در فصل آنده بطرطارداران داس راجع بهر یک از آن سخو اخصار بیان میگردد

علل اول - عدم انطیان بعضی از مندرجات کمب معدسه با مبای علوم ثانیه

برخی از علماء گفته و نوشته اند که در کمب معدسه براه و انجیل مطالبی وارد شده که با علوم ثانیه صحیحه مطابقت نداشته بلکه دانش

از جمله مسائلی که انسان حل آنرا طالب است بوجه مبدء و
حقیقت اشیاست *

علم که محدود بمطافه آثار و مظاهر طبیعت و کشف قواعد عمومیه
است بدون شك باین سوال جواب صریح نتواند داد هر چند فلسفه راههای
بطری برای حل این معضل ارائه میسپارد ولیکن نوع انسان بها بطریق
حل بطری قانع نمیشود و رفع احتیاجات خویش را از راه عمل بپیر
خواهان است *

سر در عین حال که عمل دارد و استدلال نمیکند دارای قلب و عاطفه
بر حسب علم و فی فادر ناحیاج دین از میدان تواند شد که بهر ابدانیت
قلب و احساسات و عمل انسان را راضی نگه دارد سایرین علم نابد با دین
از در صلح درآیند و مخالفت و براع را شك سو بپند *

گویند حکیم فراسوی معبد است که اگر افسانهها و
آداب و مناسکی که حقیقت دین را از انظار مستور نموده
کبار گذاشته سود براع بین علم و دین بر مرتفع
خواهد گردید *

برای رعایت احتیاز اردکر عفاقد سائر دانشمندان ماسند و بلبام خمس-
ریحل - بر کس و دیگران صرف نظر مسود *

فصل چهارم

علل معارضه برخی از دانشمندان مغرب زمین با دین

مستر دراپر دانشمند امریکائی در کتاب معروف خود موسوم به
« براع علم و دین » راجع باین شروع مبارزه علوم و دین با دیانت
مطالبی بدین مضمون نگاشته

بوجود آمده باشد برابر کتب مقدسه و فی از اولاد آدم > بحث
میسود دگری از اشخاص آنطرف عالم همان بنامده است علاوه برین
و فی در روز قیامت حضرت مسیح از آسمان برول نماید و بسوی که در
آنطرف دنیا باشند آنحضرت را بخواهند دید بس کرب و رنج امری
معقول نبوده و حسن عقیده بی باطل و فائده است اینگونه افکار سخته
که از طرف برحق از آباء گذشته ابرار سده مردم را بادی هولناک
چهل و خرافات سوو داده و سالیان دراز آنان را از علم و دانش دور و
مبجور نگاه داشته است *

گذشت ازین روحانی و فسیس برای خود البته

رهبانان و مری و مطر برست داده و باحفا و عصاهای مریع

و اروا و بها ساحه و بهرین وسایل رندگانی را در اختیار

داشته اند لکن دیگرانرا برهانست و ابروا بسوی

کرده و جمع کسری را بدستوری از فعل و کار و انجام و طائف استانیست

محرور و مریع ساحه و از احساسات دینی نفوس استفاده های سوء

موده اند چنانکه فی الملل خروارها برت از قدس سرف بقاط سائره حمل

کرده و آنرا بنمهای کراف معروجه و بنال اعره و بررگان دین را

وسله برست معاند قرار داده وار مردم بعنوان بدر و بنار برای صاحبان آن

تمایل بولها گرفته و صدها ازین فعل آداب و عادات ناسندیده در بس

مردم نام رس و آئین بروج کرده اند که همگی با علم و دانش مخالف

بوده و جمع کسری باسم روحانیست و دنابت از نعمت علم و معرفت محروم

و در حال جهالت و ندوب باقی مانده اند *

علم سوم - مخالفان سندن جمعی از رؤساء مسیحیان با علماء و

دانشمندان و قیام نادید و آزار و حرق و قتل آنان

جمعی از ارباب علم و معرفت بکمال تأیر و تأسف و فایع حرن انکیر

مخالف و محاصبت گروهی از فسیس و رؤساء مسیحین را با علماء و فضلا

در کتب تاریحه ثبت و ضبط نموده و آنرا دلیل نازر و شاهد اطاقی مبارعه

دین با علم دانسته و منجمله بوفایع دین اساره کرده اند

شری تکمال سدی با آن مطالب مخالف حوسرا ظاهر ساحه است .
 از آنجمله موضوع خلف عالم درس روز و کشف آفرین آدم و سوا
 و پیدایش کائنات ارضیه و اعقاد بطلان شمس و قمر و سقوط کواکب در
 محیطی بانی حصر مسیح و صدها مانند آن برای میل و نمونه اشاره نموده
 و تمام این مطالب را با علم و فن معارض و مناس داده اند .

عقیده دوم - ترویج عقاید خرافه ارضی جمعی از آباء کدکسه
 عقیده جمعی از دانشمندان روحی از آباء کدکسه دارای افکار
 و عقایدی بوده و باهمام نام آن را ترویج می نموده اند که
 به پیچوخه حبه علمی بداسه و سخته و نمر آن تحریک مسیحیان برصد
 علماء و روشنفکران بوده است . چنانکه فی المثل یکی از آباء کدکسه
 موسوم به « لافداس » کرویوس رمن را با دلایل رد می نموده است

اگر رمن کروی شکل باشد بهوسیله در سم
نظر لافداس - مخالف مارین کانی میساید باید باهاشان نظری
 آسمان و سرشان بسوی رمن قرار گیرد و بته ها و
 درخشا و غلظت رو بر رمن بروند ، آنا هیچ عافلی ممکن است چنین عقیده
 سخته نمایی داده باشد ؟ اگر از این بهوس سخته سؤال شود که آنا در صورت
 چگونه اسباب موجوده در روی رمن هر کدام بطرفی پرتاب می شود ؟ چنین
 جواب خواهند داد

همانگونه که اشعه دایره سمب مرکز موجه است احسام ثقیله بر
 بسوی مرکز رمن متمایل میباشند و فقط اثر و بخار و احسام حقهه با آسمان
 صعود میکنند آنا این خطا فاحش بر از خطای سابق آن جمع دوانه نخواهد بود ؛
 سنا و کوسس (۱) یکی دیگر از آباء کدکسه درین

نظر اوگوسس - مقام حسن اظهار عقیده نموده است
 مسموع و محال است که در آنطرف دنا اسان

(۱) Augustine-Saint معلم به « سعادتمند » یکی از مشهور
 ترین آباء چهار گانه کدکسه که در سنه ۳۵۴ میلادی تولد و در سال
 ۴۳۰ وفات یافته است .

ارسطو و افلاطون آثار (آپولونیوس) (۱) و سایر دانشمندان را شرح و تدریس نمود و مسائل فلسفه را از فصل « من کسسم ؟ نکجا میروم ؟ چها میدانم ؟ » موضوع بحث و مطرح مذاکره قرار میداد و کنار اهالی اسکندریه از حرمش داشت و عرفان آن دانشمند ارجمند حوشه می میدید بحرنك من میریل که از طرف مسیحیان اسکندریه بر ناسب استجاب شده بود در سنه ۴۱۵ م قتل و جسدش قطعه قطعه شد و بعد از قتل آن عالمه فاصله چراع حکمت و علوم در اسکندریه خاموش و اسگوبه ادکار از خاطرها فراموش گردید.

۵ - وقتی ثئوفیل (۲) بر کرسی حکومت اسکندریه تخریب کتابخانه خلوس نمود محلی که از قدیم الایام معدن مقدس اسکندریه > اوربرس (۳) شمار میرفت بمسیحیان بعوض شد در ضمن حفور من برای سای کیمسه سبك رمزی مكسوف گسب که بر آن صحنه ئی از آئس ب برستی بكار گردیده بود ، وقتی ثوفیل آن سبك را در معرض انظار بعوس قرارداد آئس ب برسی مورد اسبهراف و سحره واقع شد ، اریواقعه نائره حشم و عصب ب پرسنا مشتعل گردید و بابت هرچه نامتر بر مسیحیان هجوم آور شده و بالنسبه جمع کثیری از طرفین بحاك و حوس غلطیدند ، امپراطور برای سرکوبی ب پرسنا سباهی فراوان گسیل نمود و محاورس در محله « سراپون » (۴) محصص شدند ، ثوفیل نامر امپراطور عمارات آن محله را ویران و با حاك بکسان نمود و کتابخانه مشهور اسکندریه بر که مقداری از آن در هجوم « ژول سرار » محفوظ مایده بود در یواقعه بر اثر هجوم بشاری در سنه ۳۹۱ میلادی محو و معدوم گردید و بقول دراپر « آران باربع بعد دوره محدودیت افکار آغاز و در سنه ۴۱۴ میلادی

(۱) Apollonius ریاضی دان یونانی که در سنه ۲۵۰ قبل از میلاد تولد و در سال ۲۲۱ قبل از میلاد وفات یافته است.

Theophile (۲)

Osiris (۳)

Serapeion (۴)

۱ - وقتی کوپرنیک (۱) عالم مشهور لهستانی در تعجب کوپرنیک سده ۱۵۴۳ میلادی تألیف میب خود را نام (حرکت دورانی احرام سماوی) میسر صاحب سبب هرچه نامبر مورد تعجب کلیسا قرار گرفت .

۲ - گالیله ایتالیائی (۲) معجم و فریک دان تعجب گالیله مشهور پس از تکمیل تلسکوپ در سده ۱۶۰۹ میلادی و کشف خیال کره ماه و اقمار اربعه مشتری و هاله های رطل در سال ۱۶۱۶ سربوشت کوپرنیک دچار و پس از حلوس برکریسی محکومین در سده ۱۶۳۳ میلادی مجبور بانکار حرکت ریس کردند و در نایان رندگانی از نور دیده محروم و مسروی شد .

۳ - بروبو (۳) همبرمد و معبر معروف ایتالیائی تعجب بروبو وقتی در سال ۱۵۸۴ میلادی تالیف معروف خود را میسر صاحب محکم محکمه انگریسون (۴) نام ندع گذار و ملحد در سده ۱۶۰۰ میلادی در شهر رم رنده نآتش افکنده شد .

نکی از رنان داسمید و فیلسوف نام هیپاتی (۵) فیل هیپاتی دهر ریاضی دان شهر سمون (۶) که در علوم ریاضیه نادره دوران بود و علاوه بر حکمت

- (۱) Copernicus-Nikolaus موسس همت جدید (۱۵۴۳-۱۴۷۳)
 (۲) Galilei-Galileo (۱۵۶۴-۱۶۴۲)
 (۳) Bruno-Giordano (۱۵۴۸-۱۶۰۰)
 (۴) Inquisition محکمه های روحانی که در قرن هفتم میلادی برای تعجب « ندع گذاران » تأسیس شده است
 (۵) Hipatia استاد فلسفه که در آخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم میلادی میرسه
 Theon (۶)

فرار داده و حکم ول هسب هراز هر را سجتا امضاء نموده است.
فلوراندای که تاریخ متعاقب انکریسیون را برشته بحریر در
آورده حسن مسگارد
برکامادا و اعواش در طرف ۱۸ سال ۱۲ هزار و دویست و هشت
هر را رنده نآتس افکنده و بر صورت و دیگر ۶۸۶۰ هر داعی بهاده
و ۹۷۳۲۰ هر را نابواع و اقسام شکسته و آزار گرفتار کرده و در هر جا
توراه را بریان عبری مبدیده آتش مرده و در سالامانکا (۱) ششهرار
کتاب ادبی را طعمه حریق گردانیده اند.
اطرافیان پای اعظم در آثرمان برای خلاصی از
مجازات محکمه های انگریسویب عفو نامه هائی
ندوب و در مقابل احد مبالغ باهطه مردم تسلیم
عفو نامه ها واری معامله مبالغ سرساری تحصیل مسموده اند.
این بود خلاصه اعراضات جمعی از علماء و دانشمندان معرب رمن
نسبت ندوب که در طی مواد چهار گانه فوق مذکور گردید.

فصل بیستم

جواب اعتراضات معتصرین و بیان حقیقت دین

طرفداران دین و محققین میندیس در جواب اعتراضات معتصرین
حین اظهار عقیده نموده اند

۱- و می بکمال دقت در عالم مسیحیت که ناس
مسیحیت مخالف شدت مورد انراد و اعتراض جمعی از علماء معرب
دنات نیست رمن فرار گرفته امعاب بطر شود و نباتات و
علمیات حصیر مسیح اله المجد تحب بحقیق و تدفین

(۱) انالی است در اسپانیا.

حی سرسهر آس ندرس علوم و حکمت یونانی مسموع و بعد ها نامر
امراطور روسسان (۱) نام مدارس بطل و ندرس علوم منع
کردند .

علت چهارم — ناسس محاکم انکیرسون و کسار های مهب نام دیاب و روحایب

ساری از مورحن که تاریخ محاکم انکیرسون را مرقوم داشه
و پرده از روی قناع قرون وسطی برداشه اند وقایع حوس و حوادث
سکس قرون مروره را که نام دین و آئین صوب گرفته سرح و سطراده
و نام آن حباب را بدیاب مسون ساحه وحن ابرجار و سقر هوس را
برصد کلیسا برانکجه و در مؤلفات خود حن نگاشته اند که در اغلب
ممالک اروپا از قبل ایتالیا - اسپانیا - آلمان و ایتالای حوسنی فرانسه
محکمه هائی نام انکیرسون برای تعیب ررسفکران و دانشمندان و
اشخاصیکه بدیاب حصن مسیح نگرونده و در عقائد روحانیه سابقه خود
باقی بوده اند بسکسل داده و حمن کسر و حمن عفری از هوس را در برب
محاکم محاکمه و ناسد عدان معدن نموده و آنانرا هزار هزار سب
شکجه و آزار هزار داده و ساری از « محکومین » را بدیار فنا
فرساده اند .

از آنجه در سال ۱۴۸۱ در اندلس دو هزار نفر
کستار های مهب سوسن ، ۱۷ هزار نفر سحن اند و مصادره
اموال محکوم گردیده اند .

برکمداد (۲) یکی از رؤساء حون آسام این محکمه ها انواع
و اقسام شکجه و عذاب برای مهبین سسه و احراع کرده و در درون
اسارها و ربر رمین ها هزارها نفر را تعاون محله سب ادب و آزار

(۱) Justinian (۵۶۵ - ۴۸۳)

(۲) Torquemada - Thomas (۱۴۹۸ - ۱۴۲۰)

برادر خود بی سبب خشم نکرد مسیوح حکم نباشد و هر که برادر خود را
 رافا گوید مسیوح فیض نباشد و هر که احمق گوید مسیحی آتش جهنم
 بود پس هر گاه هدیه خود را بر ناگاه سری و آنجا بحاطرت آید که
 برادرب بر تو حقی دارد هدیه خود را پیش بر ناگاه واگذار و رفیه اول
 برادر خویش صلح نما و بعد آمده هدیه خود را بگدراں ۰۰۰ شنیده آید
 که ناولس گفتم شده است بر نا مکن لکن من سما میگویم هر کس بر بی
 نظر سهوت اندازد هماندم در دل خود با او ریا کرده است پس اگر چشم
 راست بر نا بفرماید فلعلس کن و از خود دور انداز بر نا ترا بهر آنستکه
 عضوی از اعصاب ساه گردد از آنکه تمام بدت در جهنم افکنده شود و
 اگر دست راست بر نا بفرماید قطع کن و از خود دور انداز بر نا ترا
 معذرت آنست که عضوی از اعصاب تو نابود شود از آنکه کل حسنت در
 دورج افکنده شود ۰۰۰ باز شنیده اند که ناولس گفتم شده است که قسم
 دروغ محور بلکه قسمهای خود را بخداوند وفا کن لکن من سما میگویم
 هر گز قسم محورید نه با آسمان بر نا که عرس خداست و نه بر زمین بر نا که
 نای انداز اوست و نه باورشلم بر نا که شهر بادشاه عظیم است و نه
 سر خود قسم نادکن بر نا که موی را سعد یا سیاه بمسوا بی کرد بلکه
 سخن سما بلی بلی و بی بی باشد بر نا که زناده بر بی از شر بر است ۰۰۰
 هر کس از تو سؤال کند بدو بخش و از کسیکه قرص از تو خواهد روی
 خود را مگردان شنیده اند که گفتم شده است همسانه خود را محبت نما و
 با دشمن خود عداوت کن اما من سما میگویم که دشمنان خود را محبت نمائند
 و برای لعل کنندگان خود برکت بطلبند و با آنستکه ارسا بخت کنند احسان
 کنند و بهر که سما بخش دهد و حقا رساند دعای خیر کنند تا پدر خود را
 که در آسمان است پسران سوید بر نا که آفتاب خود را بر بدان و بیکان
 طالع مسازد و باران بر عادلان و طالمان مبارکد بر نا هر گاه آنایرا
 محبت نمائند که شما را محبت مسماند چه اجر دارند آیا ناح گران چمن
 نمیکند پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل

واقع گردد واضح و مستهود سود کا در سربع آنحضرت ظمه بی برخلاف
علم و مدیبت ناف نمسود بلکه آن هری آسمانی سر مانند امام بهمان
الهی و حاملن وحی و الهام ربانی مروح اخلاق رحمانی و موسس آداب و
اطوار ملکوتی بوده است برای اسباب این مدعی بقصد آنان بطریقی
« وعظ حیل » که ماحصل تمام بعالم مستحبت است کافی خواهد بود .
حضرت عیسی علیه اطلب النجاة والبناء بساگردان خود حسن معلّم

ممد هد

« حوشا بحال مسکینان در روح ربرا ملکوت
وعظ حیل آسمان از آن اسان است حوشا بحال مایمان
ربرا ایسان سلی خواهد ناف حوشا بحال حلیمان
ربرا اشان وارث رمن خواهند شد حوشا بحال گرسگان و بشگان
عدال ربرا اسان سر خواهند شد حوشا بحال رحم کنندگان ربرا بر
اسان رحم کرده خواهد شد حوشا بحال ناکدلان ربرا ایسان خدا را
خواهند دید حوشا بحال صلح کنندگان ربرا ایسان حدأ خواهند
خواهند شد حوشا بحال رحمکسان برای عدالت ربرا ملکوت آسمان
از آن ایشان است حوشحال باشند حوس شما را وحش گوید و حفا
رساند و بحاطر من هر سجن ندی بر شما کادانه گوید حوس ناسند و
شادی عظیم نمائد ربرا اخر شما در آسمان عظیم است ربرا که بهمینطور
بر آسای قل ار شما حفا میرسانند شما نمک چپاند لکن اگر نمک فاسد
گردد بکدام حس نار نمکس شود دیگر مصرفی ندارد حر آنکه بروی
افکنده پامال مردم شود شما بورعالمند شهری که ترکوهی با سود بنوا
نهان کرد و چراغ را بی افروزد با آرا ربر بیابا هید بلکه با بر
چراعدان گذارید آنگاه همه کسانکه در خانه باشند روشنائی می بخشند
همچس بگذارید نور شما بامال نا اعمال مگوی سمارا دیده بدرسمارا
که در آسمانست بجمید مانند ۰۰۰ سیده اند که ناولس گفته شده است
فل مکن و هر که قتل کند سراوار حکم شود لکن من شما مکنونم هر که

خواهد بود که از مدعی علیه نیز پرسش و تحقیق شود و پس از حصول اطلاع کامل حکم صادر گردد زیرا رشمی تا سمری که هر دو بر ما مجهول است البته عادلانه بوده و نسبت محاکم روی باید تا قوال این و آن ناظر باشند بلکه باید اعمال و افعال نفوس را در موقع محاکمه میران تصور حکم قرار دهند و لکن محاکم روی نفوسی را فقط برای آنکه مسیحی هستند محکوم و بجز داسه است . کتب معانی ما احبار فرموده که بحر حدای بگانه معنوی وجود ندارد آن خداوند بمانند ریا را آفریده و لایق قطع در پس آثار جلوه حرر طاهر است حقیقت خالق یگانه بر ما مجهول و لاسه است او را از طریق از نظر ما سر و از طرف دیگر ما ارائه مینماید حق حل خلاقه نوع ایمان را در حور اعمالسان مکافات و یا محاربات میکند از قدیم الانام حضرت رب الانام سامران و ناسخانی بدینا فرستاده و آداب را مأمور هدایت خلق فرموده است مسیحیت سوری و فساد را در جهان اتحاد خواستار نیست تمام مسیحیان مانند افراد یک خانواده با هم مینهند و فقط حدای بگانه را بر سر مینماید سعادت حقیقی برای آنان خیان اندی در جهان معنوی الهی است نه دنیا برای فرمانروایان و حکام بلکه برای اسیران صلح و سلام دعا و حاجات و برای نفوس ایمان خود کتب مقدسه را تلاوت مینمایند به منظور تسوی نیکو نیکو بکسب روحانیت و معیشت و تسخیر سرید از گنجهکاران خود را معصل و برای اداره شئون همب اجتماعه نفوسی را رای عمومی اسباب میکند در نایان هر ماه هر کس آرادانه سرخات خود را به طور اعانه بدهیم جمعیت مینماید و این سرعات رای کمال با تمام و فقراء و عجرا و بنوه زبان و نفوس که بحر قبول مسیحیت باعمال شافه بحکوم میشود سرف میکند مسیحیان در جمیع سمنون با سنیاء حدود معینه تا بیکه بگر میخند و میسر کند و در نظر آنان مقصد از رید کانی معصومیت عدالت - صبر - عفت و اعتدال در معیشت است .

از مطالب مروره واضح و معلوم میگردد که تعالیم حقیقت

است (۱)

بدیهی است هیچکس ازین عالم اخلاقی با علوم واقعی مناسب و معابر بداسسه و نخواهد داشت

علاوه برین، بهوسکه در صدر مسیحیت مریسه و بر نور اخلاق حسما و نقوای خالص مریس بوده و دنیای را وسیله وصول بر ناسب مبداسسه اند احوال و اعمالشان مؤید علم و داس بوده و علما و فضلا را همواره حمایت و تسوین میموده اند چنانکه مسر -راپر در همان کتاب « براع علم و دس این حقیقت را اقرار کرده و مطالبی بدس مضمون نکاشته است

معیندات اصلیه مسیحان سالیان دراز بر محور این سا اصل مسلم

دور مرده

اول - بعظم و کریم حق سبحانه و تعالی

دوم - طهارت اخلاقی

سوم - شفیق و مرحمت احوال دسی سب بهمدنکر

یکی از آباء کبسه موسوم به ترتولیان (۲) که در قرن دوم و اوائل قرن سوم میلادی مریسه کنانی نام «مدایح نصرانه» «نمادعه مسیحیان در مقابل ابهامات رومیان» تألیف و در کتاب مر نور معیندات مسیحیان آرمای را با فصیح بیان سان و نسخ آرا بر مامداران رومی که در دوره امپراطوری سور (۳) سب به نیروان حضرت مسیح جوروسم روا مبداسسه اند تسلیم میکرده است ترتولیان متحمله حسن مسگارد

د مسیحیت در روی رمن سار عرب و نمکس است و برای خود محل و مأوای مخصوصی ندارد و لهدا دارای دشمنان زیادی بوده و هست ولیکن باوصف این حال از حکام رومی نقاضای عدالت مسماند و اعفادس چنان است که فواس امپراطوری وقی بداد گسری و عدل پروری موصوف

(۱) انجیل متی - باب پنجم

(۲) Tertullianus یکی از آباء کبسه (۲۳۰-۱۶۰)

(۳) Sevarus-Septimius امپراطور رومی (۱۹۳-۱۴۶)

بهیچوجه من الوجوه از باطنی امور طاهری و معنویات میوری نداشته است
چنانکه بی المل و فی در مکتوبات یوحا گفته شده علامتی عظیم در
آسمان طاهر سدربی که آفتاب را در بر دارد و ماه در باهاش و بر
سرس ناحی از دوازده شماره است (۱) « الله معبود و معطور آفتاب
طاهر و ماه و شماره طاهری بوده بلکه هر يك از این معنایات و تسمیئات
و اسماء از معانی عدیده روحانی در برداشته است. ادبا و شعرا بیرهمواره
ندانی تسمیه و اسماء و آیینه و معانی بسیاری را در قالب حکایت و تمثیل
رنجه و درمستات و اشعار خود گزرا و مرا را این سیوه را تعقیب کرده اند.
مثلا و فی لیل شیراز سعدی علیه الرحمه فرموده

من سرورا فنا نسیدم کمر که دست بر فرق آفتاب ندیدم کلاه را
بقا بخاطر هیچکس خطور نموده که آن شاعر سیرین زبان سرو بوسان
را فنا در بر کرده و آفتاب آسمان را کلاه بر سر نهاده است.
و نا و فی بکه سوار میدان سجوری فردوسی طوسی علیه الرحمه
فرموده

رسم سوران در آن بهن دشت زمین شد شن و آسمان گشت هست
هیچکس اعراس نکرده که چرا این شاعر بزرگ برخلاف علم همت سخن
را نه است و هیچکس هر خواننده و شنونده فارسی زبان و فی این بیت
خواحه علیه الرحمه و الرضوان را سیده

بعشه طره معول خود گره میرد صا حکایت رلف تو در میان انداخت
نه بهها بظاهر عبار حرد نگرفته بلکه از لطافت بیان و بلاغ بیان و
اسعاره و تسمیه بی مثل و سیه آن لب فراوان برده و بر سراینده چنان
کلام بر هزاران آفرین خواننده است.

پس اگر علماء و دانشمندان که بظاهر آنان متناهی کتب معده
ناظر بوده اند قدری در معانی و رموز کلمات الهیه دقیق تر مگشند
و لحنی در مضامین بیانات معده عمیق تر مسدد هرگز آب ترمان

(۱) مکاشفه یوحای رسول باب دوازدهم آیه اول و دوم.

آن دیانت با علم و مدست مخالف و متخاصمی نداشته و نخواهد داشت.
 ۲ - اعتراض برخی ارباب داندیشان بر مصافح بعضی از مدرجات کتب
 مقدسه که علی الطاهر با بیوض علمیه مطابق و موافق ندارد معلول
 دو علت است

اول - استیساس بسیاری از آباء کهنه و روحانی عالیهام مسیحی
 از باویل و تفسیر آیات مسابیه کتب مقدسه .

دوم - عدم تعمق و تدقیق فصلا و دانسمندان روحانی و روحانیات
 مربوطه و عدم تفکیک محککات از مسابیه . بدین دو علت قسمی از
 مدرجات کتب مقدسه مخالف فواین علمیه حلوه نموده و این عقیده در نفوس
 عده مسمک و راسخ گردیده که دین الهی با علم حقیقی موافق و مطابق
 نباشد بود و حال آنکه اولاً - موضوع دیانت اصلا و دانا مطالب اخلاقه
 و مسائل روحانی است که بعلی بچهار خان و دل دارد نه عالم آب و گل و
 ادیان الهیه برای حل مسائل فیه و بیان فرضیات و بصورات علمیه سر بر
 بسته و مریان آسمانی مگر در موارد استثنائی وارد مباحث فیه و علمی
 نگشته اند زیرا مقصد اصلی از بحث مظاهر مقدسه الهی سوق نفوس بشری
 بعوالم روحانی و استخلاص نوع انسان از وسوس نفسانی و عروج انشاء
 سرمد از عالمه فصائل و کمالات رحمانی بوده و حسب و اسما و بسمران که
 شمس جعفری ماسد آفات نایان از مسروق امکان برعالم عقول و ارواح بر
 افسانی مسمایند و بحال و وجدان مردمان سئنه جدید می بخشید و این بسی
 واضح و بدیهی است که وقتی خورشید درخشد و همه جا روشن و مبرور
 گردید چشم ناظر و بر حسب استعداد دانی و فطری خود راه را از حاه
 تمبر خواهد داد و درین صورت بصر را دین نماید آموخت بس و طمعه انشاء
 الهی ورود در مباحث علمی و مواضع فیه نبوده و آن نفوس مقدسه بعد
 از تربیت قوای معنوی و برورس کمالات فاطمی و اناره صاحب عقول و
 افکار انشاء آسانی کشفیات علمیه و سعادت فیه را بخود افراد جامعه بشری
 واگذار فرموده اند و لهذا موضوع حلف عالم و آدم و طلب آفات و ماه
 و سقوط کواکب از آسمان و ماسد آن نالیده از آیات مسابیه بوده و

از حیوان دانسیا طومار حکمت و داس را فرو بیچیده رو به سانان گذارند
و دو تاره رند کابی بدوی حور را از سر گیرند ؟

معروف است و فی شخصی برد عالمی روحانی و بسوایی دسی آمد
و مضطربانه اظهار کرد که یکی از طلاب علوم دینه در محابه ناده گساری
۱- آں عالم و بسوا سجد ر آسف و ادر ضرب راوی داد و گف خطا
مودی و علف ایدی را بو اند مکتبی که مکتسار و ناده حوار فاسمی
لما س طالب علم در موده وجود را از طلاب علوم دینه سمرده است بر
طالب علوم بسی هر در مکتساری بخواهد مود. پس آناکه خود را ندانست
و بنا علم و معرفت سست داده و اعمال و افعالان مخالف با اصول دینه و
مواری علمه است بسنسان بخاری است نه حقیقی و رهارو گهار نکوهنده
آن گروه ادا مربوط باصل و حقیقت علم و دین است موده و سست.

مقصود آن است که از هر حیر سکی درس عالم ممکن است استفاده
ند مود و هر حیر را بر عمر موضوع خود استعمال و از آن شر تولید کرد
حیاکه کبریت می المثل برای افروختن حراع است و لکن سربران و
حسان آنرا برای سوراندن عمارت مردمان بکار تواسد برد و نا کارد در
هر جائی مورد سار شدید نابوی خانه است و لکن ند بهادان آنرا برای
شکافتن بهلوی سگاهان استعمال تواسد مود .

همین قیاس دین است بر که برای هدایت اخلاق و تعدیل اطوار و تأدیب
آداب نوع انسان وضع و شریع سده و هرازاب هراز نفوس بشری را
بمدارج عال احاط و مدبیت رهبری موده در دست رحی از نفوس معرض
نا حائل بر خلاف مبطور اصلی بکار رفته و علم و دانش که برای تأمین
سعادت و سهیل اسباب راحت و رفاهیت انسا انسان است در دست معدودی
از دانسمندان بطور دمار و ویرانی عالم و سلب آسایش از ملل و اوم
استعمال سده است. پس اس اعتراضات که بر جمعی از مروان و گروهی
از روساء ادیان وارد آمده مبطوخته حقیقت دین است تواند بود.

فلسفه را مخالف نام و آن را اسماء و جمعی از نفوس کوبه نظر بر طری قروب و اعتبار نباتات فریادشان حضرت برورد گار را سحر به میگردید.

۳ - رراج عقائد خرافه من مسیحیان و مخالف جمعی از رؤساء کسبا با علماء و دانشمندان و تأسیس محاکم انگریسمون و مانند آن من منحوجه من الوحوه از فار و راب دنايت الهيا بجواهد کاس و سنده از لطمه بی مقام و حسب عالم مقدسه وارد بجواهد صاحب ر برا سوء رفتار و کردار سروان نباتی باصل و حسب آن دنايت الهيا ر خط بجواهد بود نباتیه فی الملل در ادیان الهی شرب مسکرات و قمار سبت مع و بکند شده و لکن جمعی از سروان نادان آن ادیان از ساهراه مستقیم باطام دینی خود انحراف حاصل و همگساری و قمار باری را بسه خود میمانند آن در معصوب اراد و اعراضی باصل عالم آن ادیان وارد جواهد آمد ؟ علم و دانش مسلمانا حقیقت محضه است و بر همه کس واضح و میرهن بوده و حسب کتا علم نور و چهل طلب و تاریکی است و لکن گروهی از علماء و دانشمندان علم و دانش را وسیله دمار عالم و امحاء بی آدم قرار داده و بر اثر انحراف آلاب تاریک و ادوات جهنمه و مواد متعده و گار های مسموم کیده نفوس کسره را بحاک و حوین غلطانیده و سران را بی بدر و بدران را بی سرگردانیده و مادران بی گناه را در مرک حکر گوسکان عربستان سب و رور گردانیده اند آنرا جراسها و ویرانه های عجب حک احیر و تلفات بشتار نفوس بسری از صعب و کسر و برنا و سر حرانر ه سقیم انحرافات و اکسافات حدیده علمیا بوده و آنرا اگر علماء و دانشمندان این همه آثار عجمه عرب را کسف و ظاهر بکرده بودند در طرف پنج - سس سال دوره حک عالمسور احیر این همه خرابی و ویرانی و بدبختی و ترسان رور گاری در عالم وجود مسهود میگردید ؟ در تصور آنرا میوان گفت که علم محرر اساس انسانیت و هادم بیان مدیبت است و باید افراد جامعه انسانی علوم و فنون را نوعی

حاقمه

در حاقمه این رساله ساد خوانندگان عرب را میآوردیم که از معرفت
علم و دین که در فصل اول و دوم بعمل آمده بحوائی واضح و معلوم گردیده
که پس علم واقعی و دین حقیقی ادبی مخالف و ممانعتی موجود نبوده و
بسیب و این اختلاف و تعاق را ده کردار و گنگار بهوس معدوده است که
خود را بدینا ب و نا علم و معرفت بسیب داده و بسیب تولید سوء تعاهم
این مردم گردیده اند امید و طید چنان است که خوانان و روشنفکران
ایران بدیده افعال در ادیان الهی بگردند و این حقیقت را واضحاً بشهود
دریاسد و آئین آسمانی را مخالف علوم و فنون عصر نه نداسد.

طهران آبان ماه ۱۳۲۷

علی اکبر فروتن